

بسمه تعالی
امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۱

مرکز مدیریت حوزه های علمیه
 معاونت آموزش
 اداره ارزشیابی و امتحانات

پایه :	۴	موضوع :	فقه ۲
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الإمراه تا کتاب المتاکبر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. كفارة صيد حَمَامٍ برای محرم در حرم چقدر است؟ ج ۵۶۱
 أ. شاة □ ب. حَمَلٌ و نصف درهم □ ج. شاة و درهم ■ د. درهمان □
۲. به نظر مصنف «حدّ السرقة» با کدام یک از راه های زیر اثبات می شود؟
 أ. شاهد و یمین □ ب. فقط با شهادت دو مرد ■ ج. با شهادت یک مرد و دو زن یا شاهد و یمین □ د. با شهادت دو مرد یا شاهد و یمین □
۳. لو مسَّ الرجل زوجته فی حال الاحرام فكفَّارته ... أ ۵۷۲/۱
 أ. شاة إن كان بشهوة و إن لم یمن و بغیر شهوة لا شیء و إن أَمَنی ما لم یقصد الإِماء أو لم یعتاده ■
 ب. شاة إذا أَمَنی سواء كان بشهوة أم بغیر شهوة و سواء قصد الإِماء أم لا □
 ج. جزور أم شاة إذا كان بشهوة و إن لم یمن و بغیر شهوة فدرهم □
 د. بدنة إذا كان بشهوة و قصد الإِماء □
۴. إن أطلق الواقف و لم یجعل النظر على الموقوف لنفسه أو لغيره ... د ۱۴۴/۲
 أ. بطل الوقف □ ب. النظر إلى نفس الواقف فی الوقف العام و إلى الموقوف علیهم فی الوقف على المعین □
 ج. النظر إلى الحاكم الشرعی مطلقاً □ د. النظر فی الوقف العام إلى الحاكم الشرعی و فی غیره إلى الموقوف علیهم ■

سؤالات تشریحی:

۱. «حصر» و «صد» را تعریف کرده و نحوه تحلل محصر را بنویسید. ۵۷۹
الحصر: منع الناسک بالمرض عن نسك يفوت الحج او العمرة بفواته. الصد: بالعدو و ما فی معناه مع قدرة الناسک بحسب ذاته على الاكمال.
اگر قربانی به همراه خود دارد همان را به قربانگاه می فرستد و اگر قربانی به همراه ندارد قربانی می خرد و می فرستد یا اینکه پولش را می - فرستد تا در آنجا خریده شده، ذبح شود.

- * و لا يجوز الفرار من الحرب إذا كان العدو ضعفاً أو أقلّ إلّا لمتحرّف لقتال أو متحصّزٍ إلى فئة.
۲. فرع مذکور در عبارت را به طور کامل توضیح دهید. ۱۷/۲

فرار از جنگ در صورتی که دشمن دو برابر یا کمتر از دو برابر سپاه اسلام باشد حرام است مگر اینکه این فرار تاکتیکی باشد مثل اینکه بخواهند در جایی سنگر بگیرند که تسلطشان بر دشمن در آنجا بیشتر است یا بخواهند به گروه دیگری از سپاه اسلام ملحق شوند برای اینکه بهتر بجنگند.

۳. وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» را با دلیل عقلی ثابت کنید. ۳۳/۲

عقل می گوید امر به معروف و نهی از منکر لطف است و لطف، طبق قاعده عدل واجب است و لطف یعنی چیزی که عبد را به اطاعت نزدیک می کند و از معصیت دور می کند و خداوند که غرضش تعلق گرفته به اینکه معروف اتیان شود و منکر ترک شود و می داند که اگر امر و نهی نکند از عبد مراد خدا حاصل نمی شود پس باید انذار و تخویف کند به مخالفت و بنا بر قاعده لطف امر به معروف و نهی از منکر بر ما هم واجب می شود؛ زیرا امر و نهی ما هم فردی از افراد لطف است.

* و فی جز المرأة شعرها فی المصاب كفارة ظهار. و قيل: كبيرة مخيرة. و الأقوى عدم الكفارة مطلقاً؛ لأصالة البراءة. نعم، يستحب لصلاحية الرواية لأدلة السنن، و لا فرق فی المصاب بین القريب و غيره؛ للإطلاق. ٤٦/٢

٤. أ. «كفارة ظهار» چیست؟ منظور از «كبيره مخيرة» چیست؟ ب. عبارت «لصاحبة الرواية لأدلة السنن» و «للاطلاق» را توضیح دهید.

١. العتق أولاً فالشهران مع تعذر العتق فاطعام الستين لو تعذر الصيام ٢. یعنی همان سه كفاره که ذکر شد منتهی رعایت ترتیب مذکور لازم نیست ٣. در اثبات مستحبات نسبت به دلیل تسامح می کنند به جهت روایاتی که در این جهت وارد شده و در ما نحن فيه نیز اگر چه روایت ضعیف است منتهی به خاطر تسامح قابلیت اثبات مستحب را دارد ٤. در حکمی که برای «جز المرأة شعرها» بیان شد فرقی نیست بین این که «جز» به خاطر قریب بوده باشد یا بعید و جهش این است که روایت، مطلق است و مقید به قریب نشده است.

* و لم يذكر [المصنف هنا أى فى اللمة] توقف نذر الولد على اذن والده لعدم النصّ الدالّ عليه هنا، و إنّما ورد فى اليمين فيبقى على أصالة الصحة، و فى الدروس ألحقه بهما [بندر الزوجة و العبد فى توقّفهما على اذن الزوج و السيد] لاطلاق اليمين فى بعض الأخبار على النذر. ٦٠/٢

٥. با توجه به عبارت، دلیل توقف و عدم توقف نذر فرزند بر اذن پدر را توضیح دهید.

دلیل عدم توقف: نذر ولد بدون اذن والد صحیح است، بدلیل أصالة الصحة (عمومات) زیرا در باب نذر دلیلی نداریم که نذر ولد را موقوف بر اذن والد کند تا مخصص عمومات شود، بله در باب یمین داریم. دلیل توقف: نذر ولد بدون اذن والد باطل است، به همان دلیلی که به لفظ یمین آمده بود، زیرا یمین بر نذر نیز اطلاق می شود.

* حيث ادعى المدعى دعوى ملزمة معلومة جازمة قبلت اتفاقاً و إن تخلف الأول ... و إن تخلف الثانى ... ٨٣/٢

٦. مراد از «تخلف الاول» و «تخلف الثانى» را نوشته، برای هر کدام مثالی بزنید و حکمش را بنویسید.

تخلف الاول: أى ادعى دعوى غير ملزمة كدعوى هبة غير مقبوضة أو وقف كذلك ففى هذه الحالة لم تسمع الدعوى. تخلف الثانى: أى ادعى دعوى غير معلومة كدعوى شيء و ثوب و فرس ففى سماعها قولان: أحدهما (مصنف) العدم و الثانى (شهيد ثانى) السماع.

* يحرم على الحاكم أن يتعنّع الشاهد أو يرغبه فى الإقامة اذا وجده متردداً أو يزّده لو توقف و لا يقف عزم الغريم عن الاقرار إلّا فى حقه تعالى. ٩٢/٢

٧. عبارت را توضیح دهید و علت استثناء «حق الله» را در مورد آخر بنویسید.

بر حاکم حرام است که در شهادت دادن شاهد دخالت کند و او را به تردید یا غلط بیندازد یا او را در صورتی که مردّد است، تشویق به شهادت دادن نماید یا او را از شهادت دادن دور نماید در صورتی که خود شاهد توقف از شهادت نموده است و نیز حاکم نباید جلوی اقرار مقر را بگیرد مگر در حق الله که مستحب است حاکم، مقر به حق الله را که منجر به حدی می شود باز داشته و سخن او را به تأویل ببرد به دلیل قضیه ما عز بن مالک عند النبى (علیه السلام).

* لو تشبّث المتداعيان (و كانا ذا يد على العين) و ادعى أحدهما الجميع و الآخر النصف مشاعاً ... ١٠٣/٢

٨. حکم مورد فوق را در صورت وجود و عدم وجود بینه از هر دو طرف بنویسید.

عدم بینه: اقتسماها نصفين بعد یمین مدعى النصف للآخر من دون العكس. وجود بینه از هر دو طرف: فهى للخارج على القول بترجيح بینه و هو مدعى الكلّ و على القول الآخر يقسم بينهما نصفين.

* الثالث: السكنى و توابعها، و لا بدّ فيها من ايجاب و قبول و قبض على تقدير لزومها، أمّا لو كانت جائزة كالمطلقة كان الإقباض شرطاً فى جواز التسلّط على الانتفاع، و لمّا كانت الفائدة بدونه منتفية أطلق اشتراطه فيها. ١٦٣/٢

٩. أ. منظور از «توابع السكنى» چیست و در چه صورتی «سكنى» لازم می باشد؟ ب. عبارت «و لمّا كانت الفائدة ...» را توضیح دهید.

أ. توابع سكنى عبارت است از عمرى و رقبى و در صورتی که سكنى موقت بشود به مدت معلوم و یا به عمر یکى از دو شخص که یکى مسکن و دیگری ساکن نام دارد لازم می شود. ب. قبض در سكنى شرط است اگر سكنى لازمه باشد اما اگر لازمه نباشد مثل سكنای مطلقه در این صورت قبض شرط نیست بلى اقباض شرط جواز تسلّط قابض است بر مقبوض و چون فایده بدون قبض منتفى است چه در سكنای لازمه و چه غیر لازمه از این جهت اشتراط قبض را مطلق آورده است.